

بهبود مدیریت فضای شهری با تأکید بر رهیافت توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر یاسوج)

داریوش جهانبخش^۱، آمنه رخس ماه^۲، حاتم پیام^۳

^۱ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده

مدیریت شهری با ماهیت، "مدیریت و توسعه شهری" به‌عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری می‌باشد. در یک فضای شهری به‌عنوان پدیده‌ای انسان‌ساخت در فضای قابل زیست به دلیل دخالت سازوکارهای توسعه پایدار موجب افزایش احساس تعلق شهروندان، ارتقا سطح مشارکت و نهایتاً پایداری می‌گردد. مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی-تحلیلی است و از لحاظ هدف کاربردی است. هدف این پژوهش، بهبود مدیریت فضای شهری با تأکید بر رهیافت توسعه پایدار است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی - کتابخانه‌ای است. به‌طوری‌که ضمن مطالعات کتابخانه‌ای از نظرات کارشناسان نیز، استفاده شده است. جهت امتیازدهی به معیارها و پارامترهای مربوطه برای شناسایی و انتخاب اثرگذارترین شاخص‌ها از طریق فن دیمتل بهره گرفته شد و سپس پرسشنامه مربوط به آزمون موردنظر جهت تبیین و اثرگذاری شاخص‌ها در اختیار نمونه آماری قرار گرفت یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از بین شاخص‌های تحقیق پایداری اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، مسکن پایدار علی بوده و پایداری اجتماعی، حمل‌ونقل پایدار معلول به حساب می‌آیند. هم‌چنین پایداری زیست‌محیطی از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است و مسکن پایدار، حمل‌ونقل پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی در درجات بعدی تأثیرگذاری قرار دارند و حمل‌ونقل پایدار از بیشترین تأثیرپذیری برخوردار است و پایداری اجتماعی، مسکن پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی در درجات بعدی تأثیرپذیری قرار دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فضاهای عمومی، بستر

مناسبتی برای احیا و باز زنده سازی ویژگی‌هایی هستند که قادرند سیمای شهر را از دیگر شهرها، متمایز بسازند و معنا و هویتی ویژه به آن ببخشند. این امر نه تنها سبب معنابخشی به این فضا می‌گردد بلکه سبب حفظ ارزش ها و ویژگی های فرهنگی بومی و انتقال آنها به نسل های آینده می شود. بی توجهی به این امر باعث یک شکل شدن شهرها و نیز قطع ارتباط فکری نسل ها، به واسطه عدم کاربرد عناصر فرهنگ مادی و ملموس جامعه در فضاهای شهری می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت فضا، توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری، شهر یاسوج

مقدمه

مدیریت شهری با ماهیت، "مدیریت و توسعه شهری" به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری است. در یک فضای شهری به عنوان پدیده‌ای انسان‌ساخت در فضای قابل زیست به دلیل دخالت سازوکارهای توسعه پایدار موجب افزایش احساس تعلق شهروندان، ارتقا سطح مشارکت و نهایتاً پایداری می‌گردد. امروزه فضاهای عمومی شهری به دلیل رعایت نکردن شاخص‌های توسعه پایدار با مشکلات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی از جمله کاهش همبستگی و احساس بی‌تفاوتی روبرو می‌باشند و مدیریت فضا جهت کاهش هزینه فضای بدون استفاده و بهینه‌سازی بهره‌مندی مداوم عمل می‌کند. تحقیقات گسترده‌ای در مورد مدیریت فضا انجام گردیده است تا اطمینان حاصل شود که سازمان مربوطه به هدف کسب‌وکار خود دست پیدا خواهد کرد. بهینه‌سازی مدیریت فضا به کارایی و موفقیت بسیاری از شهرهای انسانی کمک می‌کند و در این راستا هزینه‌های ساخت، حفظ و استفاده از فضا می‌بایست در نظر گرفته شود. توسعه پایدار به روند بهگشت اجتماع بدون رشد فراتر از ظرفیت حامل بوم شناسانه اطلاق می‌شود که در آن پایداری زیست‌محیطی (باهدف برقراری تعادل اکولوژیک) در کنار پایداری اجتماعی (باهدف برقراری عدالت اجتماعی) و پایداری اقتصادی (باهدف فراهم سازی زمینه برای بقای اقتصادی) وجود دارد. شهر پایدار به دنبال پایداری عدالت و سازگاری بسط یافته به آینده، سفری با احتیاط و بدون پایان، تلاشی مداوم برای پیشرفت همزمان و هماهنگ اهداف محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی است. بر همین اساس مدیریت فضاهای شهری با رویکرد توسعه پایدار به دنبال خلق فضاهای با پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی با افزایش قرارگاه‌های رفتاری و فضاهای انسان محور است. راهبرد مدیریت فضا به طور قابل توجهی رشد کرده‌است، اما بسیاری از سازمان‌ها در حال تقلا برای نحوه استفاده از فضای موجود خود بر اساس بهترین روش‌ها برای به حداکثر رساندن سطح اشغال شده اند تا اینکه محیطی راحت و کارآمد برای شهروندان و ساکنان یک شهر در سایه توسعه پایدار ایجاد کنند. درحالی که هنوز بسیاری از سازمان‌هایی وجود دارند که ابزارها و راه‌حلهایی برای مدیریت چالش‌های خود با استفاده از فضا ندارند، امروزه راه‌های ابداعی بسیاری وجود دارند که می‌توانند فضا را مدیریت کرده و بهترین راه حل‌ها را به افراد ارائه دهند. بدین ترتیب در مقاله حاضر شهر یاسوج به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

"مدیریت شهری یکی از ابعاد مدیریت علمی است. یعنی فرآیندی که در سطح شهر چه کوچک و چه بزرگ فعالیت می‌کند. در یک مدیریت شهری موفق، مدیر باید بتواند با تاکید بر منابع درآمدی پایدار شهری از عهده هزینه‌ها برآید و با کارآکردن سازمان و کاستن از بار هزینه‌ای، ضمن اداره سازمان، خواست عمومی را نیز تامین نماید." (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰: ۴۳) لذا منظور از مدیریت کلانشهری، ساختار یا ترتیبات سازمانی ویژه‌ای برای اداره مناطق کلانشهری است. حکمروایی منطقه‌ای و کلانشهری را می‌توان با لزوم همکاری بخش‌های خصوصی و عمومی در مقیاس منطقه‌ای و در چارچوب اشکال متنوع شراکت اجتماعات محلی، حکومت و بخش‌های اقتصادی توصیف کرد (Henton, 2001: 391). مفهوم مدیریت شهری در دهه ۱۹۷۰ برای اولین بار عنوان شد. در آن زمان، به عنوان یک نوع کارگزاری بین دولت و کسانی که نیاز به منابع داشتند (خانه‌های شهر) (McGill, 1998) بیان کردند. با گذشت زمان، نکات جدید و اصطلاحات جدید این مفهوم را تغییر داده است. دانستن درک پیچیدگی جوامع شهری منجر به تعاریف مدیریت شهری شده است که این پیچیدگی را در بر می‌گیرد.

نقش در حال تغییر دولت در جامعه منجر به مفهوم جدید شهرها به عنوان شخصیت های چند متغییره شده است (Churchill, 1985). اشاره می کند: "اصطلاح" مدیریت شهری "شروع درک جدیدی از" تغییر و تحول شهری "است؛ این اصطلاح فقط به سیستم های کنترل مربوط نیست، بلکه به ارتباطات، مجموعه ای از حرکات رفتاری، فرایندی که از طریق آن ساکنان با یکدیگر و با حکومت همکاری می کنند مرتبط است. از این زمان به بعد، ماهیت چند بعدی شهر و سازوکار سازمان های غیر دولتی، بخش جدایی ناپذیر از مفهوم مدیریت شهری است که این امر منجر به یک برنامه کاربردی جامع در مدیریت شهری می شود که ماهیت چند بعدی شهر و محیط سازمانی را نیز در بر می گیرد (McGill, 1998 و ChakRabarty, 2003, Rakodi, 2003, 43).

مفهوم مدیریت شهری به معنای علمی تر در سال ۱۹۷۶ مورد توجه واقع گردید، در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری و پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه ی مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیر متمرکز در چارچوب مدیریت های محلی تر با هدف توسعه شهری بوسیله سازمان های محلی می باشد (فیروز بخت، ۱۳۹۰: ۴۶).

مدیریتی خوب منعکس کننده استفاده و توزیع مناسب منابع عمومی در محیط رقابت آمیز و در حال تغییر کردن مداوم است. شیوه ای است که در آن عملکردهای سازمانی باید بر بهبود مکانیزم های سازمانی نظیر رهبری، تنظیم اصول اجرایی و عملیاتی روشن، کیفیت سیستم های کنترل و پاسخگویی تاکید کنند (Holtzhausen & Fourie, 2009: pp.333 - 344). به طور خلاصه می توان گفت که مدیریت شهری هنر ترکیب است: (دانش و درک ماهیت پیچیده و چند بعدی از شهر؛ با سازماندهی ظرفیت نهادی چند نفره برای مداخله در توسعه شهری) (McGill, 2001: 43).

در مدیریت شهری، مفاهیم مختلفی از اصطلاح "توسعه" را می توان مورد استفاده قرار داد. مفهوم توسعه شهری از مطالعات شهری گرفته شده است. در سطح عمومی، این "توسعه" به فرایندهای تغییر و تحول اجتماعی تبدیل می شود. این با فرآیندهای پیشرفت و صنعتی شدن برابر است. مدیریت شهری نیز به حوزه های مدیریت عمومی و برنامه ریزی مکانی مربوط می شود که از ظرفیت سازمانی، مداخله سیاست و برنامه ریزی جنبه های دانشگاهی استفاده می کند (hart, 2009: 44).

همان گونه که ذکر گردید، مدیریت شهری به عنوان یک مفهوم ریشه در اصلاحات دولتی و مفاهیم جغرافیایی "مدیریت شهری مدرن" در دهه ۱۹۷۰ دارد؛ اما به عنوان یک مفهوم نهادهای از اواسط دهه ۱۹۸۰، زمانی که توسط تعدادی از آژانس های خیریه اصلی بین المللی برای کشورهای در حال توسعه مورد حمایت قرار گرفت. یکی از مؤسسات اصلی در این زمینه، بانک جهانی بوده که مباحث آن از پروژه های سرمایه گذاری شهری اوایل دهه ۱۹۷۰، آن را به شیوه های گسترده سیستماتیک در زمینه مسکن، زمین های شهری و تأسیسات زیرساختی ایجاد کرده است. علت دیگری که باعث شده اصطلاح مدیریت شهری به صورت فراگیر مورد استفاده قرار گیرد تغییرات نهادی به منظور بهبود مدیریت سرمایه گذاری های جدید شهری است (Jenkins, 2000: 137).

مدیریت شهری مراقبت مداوم از محیط زندگی است، در حالی که رشد شهری یک حالت ادامه دار است، پس لازم است که مدیریت شهری به صورت جدی و فراگیر اعمال شود. به عبارت دیگر مدیریت شهری اقدامات پیشگیرانه بازسازی شهری است. از یک طرف برای جلوگیری از تجدید ساختن شهر و از سوی دیگر برای تحکیم نتایج حاصل از عملیات تجدید شهری ضروری است (Wassenberg, 1985: 68).

بعضی اوقات مدیریت شهری به صورت اجرای سیاست دیده می شود، یعنی به عنوان مدیریت عمومی. در بعضی موارد، به صورت پیاده سازی با یک خصوصیت خاص تعریف می شود، مانند دخالت بیشتر بخش خصوصی، یا نقش فعال و نه صرفاً یک بخش منفعل در دستیابی به توسعه شهری (Mattingly، ۱۹۹۴: ۲۰۱) است.

مدیریت شهری به عنوان یک نهاد محلی، مسئول نظارت و کنترل بر گسترش کالبدی شهرها است. در این ارتباط موضوعی که مدیریت می شود فضا و مجموعه ای از فعالیت هایی است که در آن اتفاق می افتد. ایفای این نقش، مستلزم سطح متناسبی از تمرکززایی سیاسی - مدیریتی و اختیارات کافی برای سیاست گذاری، تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرا در سطح محلی است (لاله پور، ۱۳۹۱: ۳۵).

ساختار مدیریت شهری در ایران به منظور گذر از نظام متمرکز و حرکت به سمت نظام غیر متمرکز و بیرون رفت از چالش ها رخ داده، لاجرم باید ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری را بعنوان یک راه حل اساسی پذیرا باشد. این امر یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت انکار ناپذیر تلقی می گردد. چرا که در شرایط فعلی این ساختار علیرغم سعی و تلاش فروان در ایجاد ارتباط و تعامل میان سه عامل اصلی شکل گیری شهر «انسان، فضا و محیط» عاجز از پاسخگویی و حل مشکلات رو به تزاید اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ کشور بوده و شیوه های کنونی برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری نه تنها در مواجهه با این معضلات، ضعیف و ناکارآمد جلوه می نماید بلکه موجب تشدید اوضاع و بحرانی نمودن آن به خصوص از طریق ایجاد تمرکز و دفع نظام مشارکتی می باشد (فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۳)

مدیریت شهری، فرایندی از مسئولیت ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا، نظارت و کنترل است که برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است. شکل گیری این فرآیند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک ساختار سازمانی متناسب و کارآمد برای اعمال مدیریت می باشد. در این ارتباط، مدیریت شهری باید دیدگاه جامع نگرتری درباره اجزا و عناصر سیستم شهری اختیار کند (MacGill، ۱۹۹۸) و رویکرد جامع و کل نگر به فرآیند ساخت شهر داشته باشد. رویکرد کل نگر نیازمند نیروی هدایتی قوی است تا هماهنگی و همسویی لازم در فرایند مدیریت شهری حاصل گردد و مطلوب ترین نیروی هدایتی، مطمئناً یک حکومت شهری یا محلی قوی در سطح شهر خواهد بود (Van Digk، ۲۰۰۶: ۳۸).

مدیریت شهری پایدار

گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روز افزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه ای دشوار تبدیل نموده است. چرا که شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و پایداری و بهبود سکونتگاه های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد. اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود، لازم است که در رأس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد، این عنصر را می توان «مدیریت شهر» نامید. (صرافی، ۱۳۸۷: ۱۲۱) همچنین عنصر کلیدی مدیریت شهری، ساختن یک شهر رقابتی، متساوی و پایدار از طریق تشریک مساعی و یکپارچگی بخش عمومی و خصوصی برای رفع مشکلات عمده ای که ساکنین شهرها با آن مواجه اند، می باشد؛ چرا که مدیریت شهری با همه بخش های وابسته به توسعه شهر ارتباط دارد. به روشنی می توان دریافت که مدیریت شهری پایدار هم کارکردهای راهبردی و هم کار کردهای عملیاتی دارد (Wong et al، ۲۰۰۶، ۶۴۷).

از این دیدگاه می توان مدیریت شهری را در مسیر یک توسعه ی قانونمند و پایدار مورد توجه قرار داد. این مورد، بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه ی مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می تواند در بهبود سکونتگاه های انسانی و پایداری توسعه شهری (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۷) نقش هایی از جمله ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه ی اقتصادی و ایجاد تسهیلات و رفاه اجتماعی پایدار، رعایت ضوابط کاربری زمین، جلوگیری از قالبی شکل گرفتن کالبد شهرها و حفاظت محیط کالبدی آن و ایجاد ساختار قانونمند تشکیلاتی برای شهر، رعایت عدالت اجتماعی، فرهنگی استوار و در عین حال متنوع، محیط شهری امن برای همه را در جهت مدیریت پایدار شهری ایفا کند. (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۴۶ و صالحی فرد، ۱۳۸۷: ۲۱) سابقه زیاد، آشنایی با آیین نامه های اداری، ارتباط نزدیک با عموم مردم، حساسیت سیاسی و تأکید بر کارهای عملی (کریزک و پاور، ۱۳۸۸: ۹۴) سبب می شود تا در یک دنیای آرمانی برنامه ریزان و مدیران شهری بکوشند تا با شیوه اجرایی، مدیریت و تصمیم گیری به عنوان راه حل میانه به تعادل و رفع تضادها، انعطاف و سازگاری تضادهای اقتصادی، ملاحظات زیست محیطی و اجتماعی فرهنگی بپردازند. چرا که تصمیم گیری در مورد اهداف متضاد ابعاد پایدار یعنی عقلانیت اقتصادی، عدالت اجتماعی و تعادل بوم شناختی، بحثی ابهام آمیز و سوال برانگیز است. (سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، ۱۳۸۷: ۲۸۴) در قالب دیدگاه فوق، تصدیق پایداری کاربری اراضی شهری، جهت شناسایی و رفع مشکلات در مدیریت کاربری اراضی شهری، امری ضروری برای تصمیم سازان شهری است. در شرایط کنونی در شهرهای بزرگ و از جمله شهر تهران، چنانچه نواحی شهری کنونی و نواحی که در آینده به شهر ملحق می شوند، با روال کنونی و بدون توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تغییر یابند، مشکلات آتی گریزناپذیر است. (Zhang et al, ۲۰۱۱: ۱۴۲)

در یک چارچوب عملیاتی و راهبردی، مهم ترین بعد مدیریت شهری پایدار، مدیریت زمین پایدار است؛ بر اساس چارچوب بین المللی ارزیابی مدیریت زمین پایدار، مدیریت زمین پایدار ترکیبی از اهداف عملی، سیاسی و تکنیکی بر اساس اصول اقتصادی - اجتماعی و با توجه به نگرانی ها و اولویت های زیست محیطی می باشد؛ چنان که هم زمان دستیابی به کالاها و خدمات، کاهش سطح ریسک تولید، حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از افت کیفیت آب و خاک، پایداری اقتصادی و پذیرش اجتماعی را به همراه داشته باشد (Ho, ۲۰۰۶: ۲۷۹)

مدیریت زمین شهری پایدار از دیدگاه اجتماعی و اکولوژیکی نیز پیامدهای مهم و مثبتی از جمله گسترش مالکیت عمومی زمین و نظارت بر نحوه استفاده از زمین در راستای پایداری را به همراه دارد (Magel, ۲۰۰۱: ۵۸)، به طور کلی مدیریت شهری پایدار حداقل استفاده از منابع تجدید ناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدید پذیر، ظرفیت های جذب مواد زائد در سطح محلی، به طور که سیاست های شهری از نظر اکولوژی، اقتصادی، اجتماعی و تکنیکی پایدار باشد، را شامل می شود. در واقع این نظریه موضوعات مهمی از جمله جلوگیری از آلودگی محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت تولید محلی، ناحیه ای و ملی، عدم حمایت از توسعه های زیان آور و حمایت از بافت ها و کاربری های مجاز و سرانه آن را مطرح می کند. (جهانگیر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳) در این جا متمرکز می شویم که مدیریت کاربری زمین و تحقق ارتباط آن با پایداری موضوعی پیچیده است چرا که بنیان های علمی رضایت بخش و رویکرد روش شناسی هنوز در حال توسعه اند. پیش از هر چیزی کاربری زمین نیازمند یک خانواده عقلانی از رویکردهاست که با تجربه و بسیاری از روش های پایدار ترکیب شود. به هر حال در کنار تلاش برای توسعه رویکرد علمی مدیریت کاربری زمین ابزار علمی تنها ابزار برای فهم، تشریح و دستیابی به تعادل بیشتر و موقعیت

حساس زیست‌محیطی کاربری زمین است. (Beinat and Nijkamp, ۱۹۹۷: ۱۱). نقل قول از حسینی وهمکاران، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰.

مدیریت یکپارچه

مدیریت یکپارچه ازمفاهیم و ابزار مدیریتی جدید و موجود و تأکید بر فرآیندهای سیستمی، فرهنگ ذینفعان، رهبری دنیای واقعی و هوش هیجانی در یک سازمان استفاده می‌کند. در سازمان‌های امروزی، این رویکرد مدیریت به‌عنوان یک راهبردی برای تطبیق با چالش‌های ترکیبی پیچیده ارزش دارد. روش‌های یکپارچه، برخلاف شیوه‌های یک جانبه و تخصصی، در پرورش روحیه آزاد و انعطاف‌پذیری در افراد و جوامع ثابت شده‌است. مدیریت یکپارچه، بهبود حوزه‌های سازمانی سنتی را تقویت می‌کند در حالی که یک رویکرد حساس را برای درک افراد، سیستم‌ها و سازمان‌ها تشویق می‌کند (Sroufe, ۲۰۱۸: ۳-۴).

از مزایای مدیریت یکپارچه برای سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کاهش زمان استقرار و تسریع در آمادگی سیستم برای ممیزی و صدور گواهینامه

۲- کاهش هزینه‌های استقرار، ممیزی و نگهداری سیستم

۳- ایجاد یکنواختی در فعالیت زیر سیستم‌های مورد نیاز

۴- تمرکز سازمان اداره‌کننده و مسئولیت مستقیم اداره و بهبود سیستم‌ها

۵- وجهه بهتر و نمایش استقرار حرفه‌ای تر سیستم مدیریت

۶- کاهش تعداد اجرای ممیزی‌ها در طول سال (Roidt, ۲۰۱۹, ۶۱۰-۶۱۱).

مدیریت یکپارچه یک روش برنامه‌ریزی مدرن است که ارتباط نزدیکی با ماهیت پیچیده شهرها و ضرورت ایجاد شهرک‌های پایدار و انعطاف‌پذیر دارد. تحقیقات نشان داده‌است که اجرای مدیریت یکپارچه به طور مستقیم با شرایط اجتماعی-اقتصادی، چارچوب قانونی، تکنولوژی و پتانسیل‌های حرفه‌ای و آموزشی جوامع مرتبط است که برای هر کشوری متفاوت است. تحقیقات از طریق نمونه‌های مشخص نشان داده‌اند که مدیریت یکپارچه در کشورهای اتحادیه اروپا بیشتر از کشورهای پسا سوسیالیستی شایع است. مدیریت یکپارچه یکی از روش‌های اساسی برای برنامه‌ریزی مدرن است و با توجه به ویژگی پیچیده پدیده‌های فضایی، منطقی و ضروری است. اصطلاح "یکپارچه" امروزه گسترده‌است و همه پدیده‌های توسعه و مدیریت پایدار را توصیف می‌کند. توسعه پایدار در حال حاضر بر اساس توسعه متعادل جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. همچنین فضاهای مکانی-فیزیکی و اجتماعی، توسعه فضای شهری را هماهنگ می‌کنند. سیاست‌گذاری برای مدیریت یکپارچه و ایجاد چارچوب‌های سازمانی در همه سطوح، مدیریت یکپارچه را به‌عنوان مکانیسم دستیابی به یک فضا و محیطی پایدار و انعطاف‌پذیر شهری به رسمیت شناخته‌است. مدیریت یکپارچه، در تئوری، بر مبنای ارزیابی و بهبود برنامه‌ریزی عقلانی دهه ۱۹۵۰ است و نتیجه‌ماهیت پیچیده چارچوب شهری و توسعه کلی روابط اجتماعی و اقتصادی است که در دهه‌های گذشته، تبدیل به حالتی پویا در جهت پیشرفت امروزی در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و تکنولوژی شده‌است (Brankica, ۲۰۱۸: ۳۲۳-۳۲۴).

مدیریت فضا، مدیریت موجودی فضای فیزیکی سازمان است. در مورد بررسی دقیق میزان فضای یک سازمان، مدیریت اطلاعات مربوط به فضای اشغال شده و ایجاد طرح‌های فضایی راهبردی بسیار مهم هستند. چه یک سازمان دولتی، دانشگاه، کارخانه صنعتی، مغازه‌های خرده‌فروشی، موسسات مالی و یا هر سازمان دیگری به نوعی برای حمایت از کسب‌وکار خود به فضا نیاز

دارد. فضا می تواند یک اتاق کوچک با دو میز و صندلی یا چندین اتاق و یا چندین طبقه از ساختمان باشد که بسته به نوع سازمان و هدف فرق می کند. فضا می تواند شامل چیزهای زیادی باشد و می تواند به روش های زیادی مورد استفاده قرار گیرد. مدیریت فضا معمولاً تحت طبقه بندی مدیریت فرصت ها و تسهیلات قرار می گیرد، که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و عمدتاً بر حفظ و نگهداری فضا متمرکز بود. در آن زمان هیچ ابزار یا راه حلی برای اندازه گیری سطح اشغال شده وجود نداشت؛ تا ببیند فضا به روش های کارآمد مورد استفاده قرار می گیرد یا نه. با این حال، اولویت های شرکت ها و انتظارات کارمندان نیز متفاوت بود. در طول دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، برنامه ریزی فضایی و راهبردی تخصیص مجدد فضا مهم تر شد. و امروزه، سازمان ها در تلاشند تا راه های جدیدی را برای کاهش اندازه و یا استفاده بهتر از فضایی که باید مقرون به صرفه و مؤثر باشد، بیابند. با این حال، امروزه حتی با وجود گزینه های بسیاری برای مدیریت فضا هنوز سازمان های زیادی وجود دارند که تلاش می کنند فضای خود را به صورت دستی مدیریت کنند (Yuan, 2019: 148).

بر اساس یک دیدگاه کلی، از گزارش سازمان ملل متحد (۱۹۸۷) تا اهداف توسعه پایدار اخیر، ارزیابی پایداری در حمایت از سیاست های پایدارتر، استراتژی ها و برنامه های اقدام به سمت آینده پایدار مورد توجه قرار گرفته شده است (Geissdoerfer et al., 2019: 98) که هدف از توسعه پایدار ایجاد و حفظ سیستم های مرفه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می باشد (Folke et al., 2002: 437). لذا انتقال به یک جامعه پایدار بر اساس اهداف توسعه پایدار بدیهی است که یک مزیت محسوب می شود و منجر به همکاری ها و هماهنگی های گسترده در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خواهد شد (Broman and Robert, 2017: 17). قابل ذکر است که آینده نگری (برابری بین نسلی بدون حذف آن برای نسل بعد)، عدالت درون نسلی یا مراقبت از نیازمندان)، مشارکت (افراد باید فرصتی برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که بر آن ها و در روند توسعه پایدار تاثیر می گذارد، داشته باشند)، محیط زیست (حفظ و حمایت محیطی) اصول بنیادی توسعه پایدار به شمار می آیند (Laurini, 2014: 17). توسعه پایدار شهری به معنای توسعه ای بدون هیچگونه ضرر و زیان وارده به محیط زیست را گویند. (Longman, Dictionary of Contemporary English, 2009. P 1027) ^۱.

کارآمدی هرسبستی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری اکولوژیکی، اقتصاد و اجتماعی است. توسعه ابعاد مختلفی دارد و عوامل متنوعی زمینه ساز آن است. بعضی از پژوهشگران شش بعد اساسی برای توسعه شناسایی کرده اند. مهم ترین بعد توسعه زمان است (نقل قول از گودرزوند، ۱۳۹۴: ۲۲۱).

پایداری باید برای توسعه گفتگو با درک جامعه بزرگ تر طراحی شود. بخشی از تلاش برای ایجاد پایداری جامعه به مشاوره در مورد اینکه چگونه تحقیقات در زمینه پایداری ممکن است به ایجاد رویکردهای جدید در محیط زیست، که شامل مقرراتی برای تأثیر گذاری بر تغییر باشد، متمرکز است (Patrick Troy, 2013, 479).

مفهوم پایداری نسبتاً جدید است و شامل یک رشته چندحالتی از علوم مهندسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. تحقیق در زیرساخت های پایدار شهری یک زمینه جدید و در حالت کامل است. پایداری شهری از مدرنیته در شهرنشینی، مناطق فقیرنشین و تضعیف فضاهای شهری در اواسط قرن گذشته تا دیدگاه های اکولوژیکی محیط زیست و شبکه های شهری تکامل یافته است. پایداری در تعریف کمیسیون Brundtland، توانایی پاسخگویی به نیازهای نسل فعلی بدون لطمه زدن به شانس نسل های آینده برای برآوردن نیازهای خود است (Birkin, 2009, 1).

¹ Longman, Dictionary of Contemporary English, for Advanced Learning, Urban Sustainable Development.

-توسعه پایدار شهری

براساس یک دیدگاه کلی، از گزارش سازمان ملل متحد (۱۹۸۷) تا اهداف توسعه پایدار اخیر، ارزیابی پایداری در حمایت از سیاست های پایدارتر، استراتژی ها و برنامه های اقدام به سمت آینده پایدار مورد توجه قرار گرفته شده است (Geissdoerfer et al., 2019: 98) که قابل ذکر است هدف از توسعه پایدار ایجاد و حفظ سیستم های مرفه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می باشد (Folke et al., 2002: 437). لذا انتقال به یک جامعه پایدار بر اساس اهداف توسعه پایدار بدیهی است که یک مزیت محسوب می شود و منجر به همکاری ها و هماهنگی های گسترده در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خواهد شد (Broman and Robèrt, 2017: 17).

در تعریف مفهوم توسعه پایدار می توان گفت چالش های مشخصی وجود دارند که هر حداقل به اندازه تنوع جوامع بشری و اکوسیستم های طبیعی در سراسر جهان ناهمگن و پیچیده می باشند (Robert, et al., 2005: 20). قابل ذکر است که لازمه دست یابی به توسعه پایدار تبیین الگوهای توسعه است که نیازهای نسل فعلی را برآورده می کنند و به نیازهای نسل های آینده آسیب نمی رسانند؛ علاوه بر این، نه تنها مستلزم پایداری منابع طبیعی و محیط زیست است، بلکه بر رفاه انسانی و خوشبختی ساکنان نیز تأکید دارد (Tan and et al 2017: 3).

مفهوم توسعه پایدار به عنوان گزارش آینده مشترک ما در سال ۱۹۷۸ توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه انتشار یافت که به معنای توسعه همه جانبه ای می باشد که نیازهای موجود را بدون از بین بردن نیازهای نسل آینده برطرف می سازد و همچنین مسائل زیست محیطی را مورد توجه قرار داده و بر اهمیت مسائل اقتصادی و اجتماعی آنها نیز متمرکز است (Sinakou, et al, 2018: 321).

همچنین، امروزه فن آوری های مالی، اطلاعات و ارتباطات، ظرفیت سازی، نظارت بر داده ها و سازگاری و تجارت مهم ترین مسائلی هستند که نیاز به همکاری در مقیاس وسیع برای دست یابی به توسعه پایدار دارند و لذا توسعه پایدار نیز به منظور برقراری ارتباط بین موضوعات مرتبط با محیط زیست و اجتماعی به طور هم زمان مورد توجه قرار می گیرد (Takala, 2017: 502).

از سوی دیگر، توسعه پایدار به معنی تضمین روند رو به افزایش ذخایر سرانه ثروت جهانی متضمن اتخاذ سیاست های تضمین مصرف پایدار شامل سرمایه گذاری در بخش آموزش، سرمایه - گذاری در فناوری، سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی، کاهش خسارات زیست محیطی و تشویق به حفظ منابع و سرمایه های طبیعی و زیست محیطی است (Peace. 2007 614).

همچنین، توسعه پایدار به مثابه هدف گیری جنبه های پایداری در جهت کاهش هزینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حل مسائل و چالش ها را در پیش رو دارد و از طرفی دیگر توسعه پایدار در بخش زیست محیطی کاهش میزان آلودگی، نیاز کمتر به گازهای کربن وغیره را در دستور کار خود قرار داده است که با توجه به اهداف تعیین شده آن، مانع از تغییرات بدون برنامه در اکوسیستم های طبیعی با فعالیت های اقتصادی (به عنوان مثال گردشگری، ماهیگیری و توسعه ساحل) که باعث آسیب رسانی به محیط زیست شهری می شود (Fleming, 2017: 94).

در تعیین اهداف و رویکردهای توسعه پایدار، حفاظت و بهبود محیط از طریق مسئولیت و ضمانت زیست محیطی که با کاهش اتکا به منابع طبیعی، به حداقل رساندن آلودگی هوا، اجتناب از آلودگی زمین، به دنبال بهره وری انرژی، بالا بردن تنوع زیستی و استفاده مجدد و یا پاک کردن زمین های سوخته امکان پذیر است که سرانجام به بهبود کیفیت زندگی منجر خواهد شد از جمله رویکردها و اهداف مرتبط با آن می باشند (Alan Strong and Hemphill, 2006: 485-486).

همچنین قابل ذکر است که آینده نگری (برابری بین نسلی بدون حذف آن برای نسل بعد)، عدالت (عدالت درون نسلی یا مراقبت از نیازمندان)، مشارکت (افراد باید فرصتی برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که بر آن ها و در روند توسعه پایدار تاثیر می گذارد، داشته باشند)، محیط زیست (حفظ و حمایت محیطی) اصول بنیادی توسعه پایدار به شمار می آیند (17 Laurini, 2014).

با مطرح شدن پسوند پایداری برای توسعه، دیدگاه های جدیدی در خصوص توسعه ارائه شد که در بخشهایی با عنوانهای توسعه پایدار منابع آب، توسعه پایدار کشاورزی، توسعه پایدار جنگلها، توسعه انسانی پایدار و نظایر آن ارائه شده اند (مکنون، ۱۳۷۵). در این اواخر، شهرسازان و برنامه ریزان منطقه ای نیز به فکر پیدا کردن زمینه های ممکن پایداری و توسعه پایدار در مقیاس کوچکتر و اجرایی تر شهرها و مناطق افتاده اند. بدون شک بحث از پایداری و توسعه ی پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی، بی معنی خواهد بود. شهر ها به عنوان عامل اصلی ایجاد کننده ی ناپایداری در جهان به شمار می روند (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵).

توسعه پایدار شهری توسعه ای است که به نیازهای مردم شهر پاسخ گوید اما بقا و دوام آن نیز تضمین گردد و در عین حال آب، خاک و هوا - یعنی سه عنصری که برای حیات انسان ضروری است - آلوده و بلا استفاده نگردد (بر آبادی، ۱۳۸۳). پیترهال توسعه پایدار شهری را این چنین تعریف نموده است: شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل های آینده را تضمین کند (Hall, 1993).

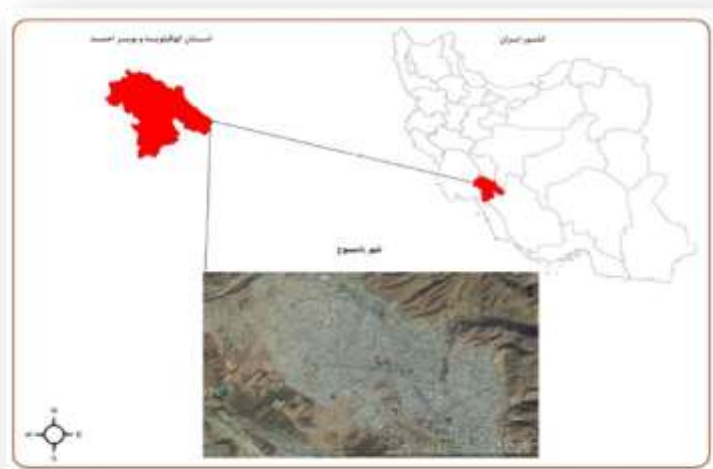
روش تحقیق

مقاله ی حاضر با روش توصیفی - تحلیلی است و از لحاظ هدف کاربردی است. هدف این پژوهش، بهبود مدیریت فضای شهری با تأکید بر رهیافت توسعه پایدار است. شیوه جمع آوری اطلاعات پیمایشی - کتابخانه ای است. به طوری که ضمن مطالعات کتابخانه ای از نظرات کارشناسان نیز، استفاده شده است. جهت امتیازدهی به معیارها و پارامترهای مربوطه برای شناسایی و انتخاب اثرگذارترین شاخص ها از طریق فن دیمتال بهره گرفته شد و سپس پرسشنامه مربوط به آزمون مورد نظر جهت تبیین و اثرگذاری شاخص ها در اختیار نمونه آماری قرار گرفت.

موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه: شهر یاسوج

شهر یاسوج از نظر تقسیمات سیاسی کشور مرکز استان کهگیلویه و بویر احمد و مرکز شهر بویر احمد، در بخش مرکزی، دهستان سررود شمالی و از نظر طبیعی بین رودخانه های بشار در جنوب و مهربان در غرب و کوه های دنا در شمال و شرق محصور شده است (مهندسین مشاور همسو، ۱۳۷۵: ۲۴۰). این شهر در موقع جغرافیایی ۳۰ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته و مساحتی برابر با ۱۸۰۱ هکتار را اشغال کرده است (سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویر احمد ۱۳۸۷: ۳۱). شهر یاسوج از سمت شمال و شرق به ارتفاعات زاگرس، از سمت جنوب به رودخانه بشار و روستاهای اکبر آباد، و نجف آباد، از سمت جنوب غربی به شهرک صنعتی و روستای بلوکر، از سمت غرب و شمال غربی به رودخانه مهربان و روستاهای مهربان، شرف آباد علیا، شرف آباد سفلی و شرف آباد وسطی محدود می گردد (مهندسین مشاور همسو، ۱۳۸۰: ۴).

نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی شهر یاسوج



یافته‌های تحقیق

گام‌های روش دیمتل

گام ۱: تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم (M)

برای شناسایی الگوی روابط میان n معیار ابتدا یک ماتریس $n \times n$ تشکیل می‌شود. تأثیر عنصر مندرج در هر سطر بر عناصر مندرج در ستون در این ماتریس درج می‌شود. اگر از دیدگاه بیش از یک نفر استفاده شود، هریک از خبرگان باید ماتریس موجود را تکمیل کنند. سپس از میانگین ساده نظرات استفاده می‌شود و ماتریس ارتباط مستقیم X تشکیل داده می‌شود.

$$X = \begin{bmatrix} 0 & \dots & x_{n1} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{1n} & \dots & 0 \end{bmatrix}$$

جدول زیر ماتریس ارتباط مستقیم که همان مقایسات زوجی خبرگان هست را نشان می‌دهد

جدول ۱- ماتریس ارتباط مستقیم

مسکن پایدار	حمل و نقل پایدار	پایداری اجتماعی	پایداری زیست محیطی	پایداری اقتصادی	
3	3	4	3	0	پایداری اقتصادی
5	5	5	0	5	پایداری زیست محیطی
3	3	0	2	2	پایداری اجتماعی
3	0	3	2	2	حمل و نقل پایدار
0	5	3	5	4	مسکن پایدار

گام ۲: نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم

برای نرمال سازی ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌های ماتریس ارتباط مستقیم محاسبه می‌شود. بزرگترین عدد مجموع سطرها و ستون‌ها با k نمایش داده خواهد شد. برای نرمال سازی باید تک‌تک درایه‌های ماتریس ارتباط مستقیم بر k تقسیم شود.

$$k = \max \left\{ \max \sum_{j=1}^n x_{ij}, \sum_{i=1}^n x_{ij} \right\}$$

$$N = \frac{1}{k} * X$$

جدول ۲- ماتریس ارتباط مستقیم نرمال شده

مسکن پایدار	حمل و نقل پایدار	پایداری اجتماعی	پایداری زیست محیطی	پایداری اقتصادی	
۰,۱۵	۰,۱۵	۰,۲	۰,۱۵	۰	پایداری اقتصادی
۰,۲۵	۰,۲۵	۰,۲۵	۰	۰,۲۵	پایداری زیست محیطی
۰,۱۵	۰,۱۵	۰	۰,۱	۰,۱	پایداری اجتماعی
۰,۱۵	۰	۰,۱۵	۰,۱	۰,۱	حمل و نقل پایدار
۰	۰,۲۵	۰,۱۵	۰,۲۵	۰,۲	مسکن پایدار

گام ۳: محاسبه ماتریس ارتباط کامل

بعد از محاسبه ماتریس های نرمال، ماتریس روابط کل فازی با توجه به رابطه زیر به دست می‌آید.

$$T = \lim_{k \rightarrow +\infty} (N^1 + N^2 + \dots + N^k)$$

به عبارتی دیگر ابتدا یک ماتریس همانی $n \times n$ تشکیل می‌دهیم، سپس این ماتریس همانی را منهای ماتریس نرمال کرده و ماتریس حاصل را معکوس می‌کنیم. ماتریس نرمال در ماتریس حاصل ضرب می‌شود تا ماتریس ارتباط کامل بدست آید.

$$T = N \times (I - N)^{-1}$$

ماتریس همانی یا یک ماتریسی است که تمامی درایه‌های آن غیر از قطر اصلی صفر است. جدول زیر ماتریس ارتباط کامل را نشان می‌دهد.

جدول ۳- ماتریس ارتباط کامل

مسکن پایدار	حمل و نقل پایدار	پایداری اجتماعی	پایداری زیست محیطی	پایداری اقتصادی	
0.438	0.476	0.494	0.399	0.284	پایداری اقتصادی
0.646	0.703	0.673	0.391	0.615	پایداری

					زیست محیطی
0.374	0.407	0.258	0.308	0.318	پایداری اجتماعی
0.374	0.277	0.388	0.308	0.318	حمل و نقل پایدار
0.399	0.651	0.553	0.551	0.538	مسکن پایدار

گام ۴: محاسبه ماتریس ارتباط داخلی

برای محاسبه ماتریس روابط داخلی باید ارزش آستانه محاسبه شود. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف‌نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا یا همان نقشه شبکه روابط (NRM) را ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آنها در ماتریس T از مقدار آستانه بزرگتر باشد در NRM نمایش داده خواهد شد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس T محاسبه شود. بعد از آنکه شدت آستانه تعیین شد، تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از آستانه باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود.

مقدار آستانه در این تحقیق برابر 0.446 است.

تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از 0.446 باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین الگوی روابط معنی دار به صورت جدول زیر است.

جدول ۴- الگوی روابط معنی دار

مسکن پایدار	حمل و نقل پایدار	پایداری اجتماعی	پایداری زیست محیطی	پایداری اقتصادی	
0	0.476	0.494	0	0	پایداری اقتصادی
0.646	0.703	0.673	0	0.615	پایداری زیست محیطی
0	0	0	0	0	پایداری اجتماعی
0	0	0	0	0	حمل و نقل پایدار
0	0.651	0.553	0.551	0.538	مسکن پایدار

گام ۵: خروجی نهایی و ایجاد نمودار علی

گام بعدی به دست آوردن مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس T است. مجموع سطرها (D) و ستون‌ها (R) با توجه به فرمول‌های زیر به دست می‌آورده می‌شود.

$$D = \sum_{j=1}^n T_{ij}$$

$$R = \sum_{i=1}^n T_{ij}$$

سپس با توجه به D و R، مقادیر D+R و D-R را به دست می‌آورده می‌شود که به ترتیب نشان دهنده میزان تعامل و قدرت تأثیرگذاری عوامل هستند.

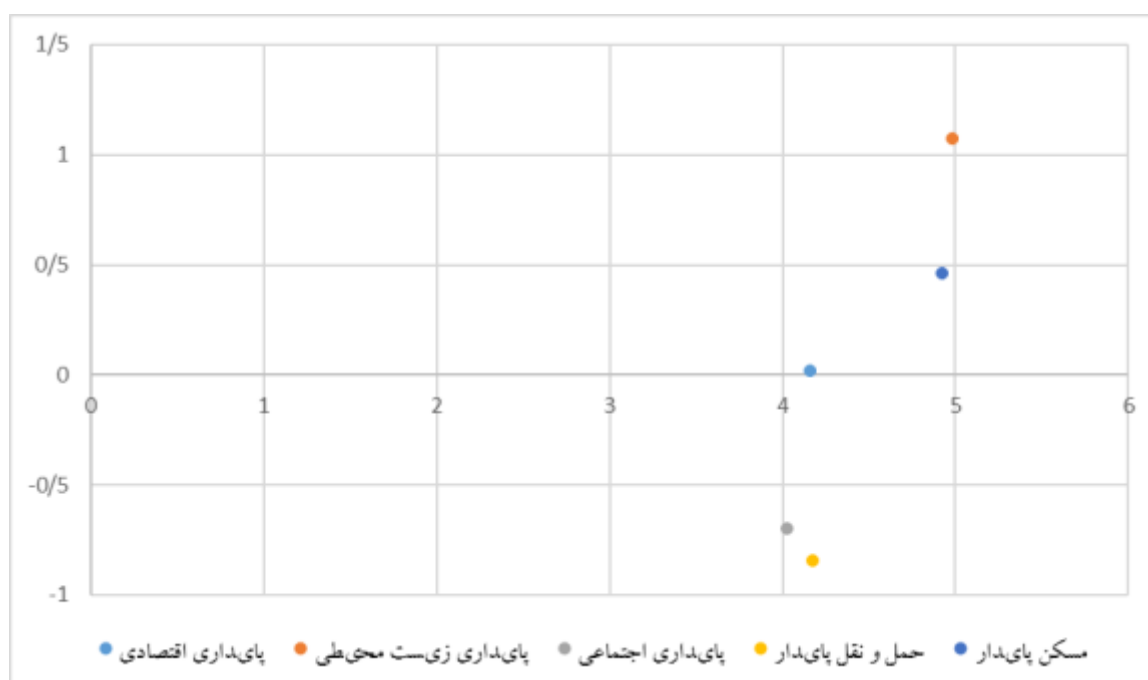
خروجی نهائی در جدول زیر آمده است.

جدول ۵- خروجی نهایی

D-R	D+R	D	R	شاخص ها
0.017	4.164	2.091	2.074	پایداری اقتصادی
1.071	4.985	3.028	1.957	پایداری زیست محیطی
-0.7	4.031	1.665	2.366	پایداری اجتماعی
-0.848	4.179	1.665	2.513	حمل و نقل پایدار
0.459	4.924	2.691	2.232	مسکن پایدار

شکل زیر نیز الگوی روابط معنی دار را نشان می دهد. این الگو در قالب یک نمودار هست که در آن محور طولی مقادیر $D + R$ و محور عرضی براساس $D - R$ می باشد. موقعیت و روابط هر عامل با نقطه ای به مختصات $(D + R, D - R)$ در دستگاه معین می شود.

نمودار ۱- الگوی روابط



گام ۶: تفسیر نتایج

با توجه به نمودار و جدول فوق هر عامل از چهار جنبه بررسی می شود:

- میزان تأثیرگذاری متغیرها: جمع عناصر هر سطر (D) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرگذاری آن عامل بر سایر عامل های سیستم است. در این تحقیق پایداری زیست محیطی از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است و مسکن پایدار، پایداری اقتصادی، حمل و نقل پایدار و پایداری اجتماعی در درجات بعدی تأثیرگذاری قرار دارند.

- میزان تأثیرپذیری متغیرها: جمع عناصر ستون (R) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرپذیری آن عامل از سایر عامل‌های سیستم است. در این تحقیق حمل‌ونقل پایدار از بیشترین تأثیرپذیری برخوردار است و پایداری اجتماعی، مسکن پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی در درجات بعدی تأثیرپذیری قرار دارند .

- بردار افقی (D + R) میزان تأثیر و اثر عامل مورد نظر در سیستم را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هرچه مقدار $D + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. در این تحقیق پایداری زیست‌محیطی از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است و مسکن پایدار، حمل‌ونقل پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی در درجات بعدی تأثیرگذاری قرار دارند .

- بردار عمودی (D - R) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. بطور کلی اگر $D - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود. در این تحقیق پایداری اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، مسکن پایدار علی بوده و پایداری اجتماعی، حمل‌ونقل پایدار معلول به حساب می‌آیند .

جمع بندی و نتیجه گیری

تحقق توسعه پایدار و شهرهای قابل زیست برای زندگی مطلوب با مدیریت فضا، ضمن رفع مشکلات اکولوژیکی شهرها، می‌تواند در تأمین امنیت اجتماعی جامعه و نیز سلامت روانی و جسمانی ساکنان شهرها به واسطه ایجاد تعامل، تعاون و مشارکت شهروندان در امور شهری و در نتیجه افزایش حس اعتماد میان شهروندان، انسجام و اتحاد آن‌ها مؤثر واقع گردد؛ بنابراین ایده شهر سالم در بستر فضای شهری می‌تواند به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری و نیز بهزیستی و شکوفایی شهرها مورد توجه قرار گیرد و سلامت شهروندان را نیز تضمین کند. در مجموع می‌توان اذعان داشت که توسعه فضاهای عمومی شهرها باعث ارتقای سلامت شهروندان آن‌ها می‌گردد که در پژوهش‌های متعددی نظیر: باقری و عظمتی (۱۳۸۸)، انصاری (۱۳۹۳)، مرصوصی و عظیمی (۱۳۹۶) و غیره، این امر، تأیید شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از بین شاخص‌های تحقیق پایداری اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، مسکن پایدار علی بوده و پایداری اجتماعی، حمل‌ونقل پایدار معلول به حساب می‌آیند. هم‌چنین پایداری زیست‌محیطی از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است و مسکن پایدار، حمل‌ونقل پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی در درجات بعدی تأثیرگذاری قرار دارند و حمل‌ونقل پایدار از بیشترین تأثیرپذیری برخوردار است و پایداری اجتماعی، مسکن پایدار، پایداری اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی در درجات بعدی تأثیرپذیری قرار دارند.

از دیگر نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که فضاهای عمومی، بستر مناسبی برای احیا و باز زنده سازی ویژگی‌هایی هستند که قادرند سیمای شهر را از دیگر شهرها، متمایز بسازند و معنا و هویتی ویژه به آن ببخشند. این امر نه تنها سبب معنا بخشی به این فضا می‌گردد بلکه سبب حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی بومی و انتقال آنها به نسل‌های آینده می‌شود. بی‌توجهی به این امر باعث یک شکل شدن شهرها و نیز قطع ارتباط فکری نسل‌ها، به واسطه عدم کاربرد عناصر فرهنگ مادی و ملموس جامعه در فضاهای شهری می‌گردد.

فهرست منابع

۱. پرهیزکار، اکبر و فیروزبخت، علی، (۱۳۹۰)، « چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره ۸۰.
۲. رفیعیان، مجتبی، حسین پور، سید علی (۱۳۹۰)، نظریه، شهر، فضا، مدیریت شهری، انتشارات طحان
۳. قرخلو، مهدی؛ حسینی، هادی، (۱۳۸۵)، شاخص‌های توسعه پایدار شهری، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره هشتم.
4. Broman, G. I., & Robèrt, K. H. (2017). A framework for strategic sustainable development. *Journal of Cleaner Production*, 140, 17-31.
5. Chakrabarty, B. K. (۲۰۰۲) "Urban Management; Concepts", Principles, Techniques and Education', "Cities", Vol. ۲5, No. 8: ۹۹۲-۹۴۸.
6. Eleni Sinakou, Jelle Boeve-de Pauw, Maarten Goossens, Peter Van Petegem, (2018), Academics in the field of Education for Sustainable Development: Their conceptions of sustainable development, *Journal of Cleaner Production*.
7. Fleming, A. , Wise, R. M. , Hansen, H. , & Sams, L. (2017). The sustainable development goals: A case study. *Marine Policy*, 86, 94-103.
8. Folke, C., Carpenter, S., Elmqvist, T., Gunderson, L., Holling, C. S., & Walker, B. (2002). Resilience and sustainable development: building adaptive capacity in a world of transformations. *AMBIO: A journal of the human environment*, 31 (5), 437-441.
9. -Geissdoerfer, M., Savaget, P., Bocken, N. M., & Hultink, E. J. (2017). The Circular Economy–A new sustainability paradigm?. *Journal of cleaner production*, 143, 757-768.
10. Hall , Peter (1993) , Toward sustainable , liveable and innovative cities for 21st. century. In *Proceedings of the Third Conference of the World Capitals , Tokyo*.
11. Hall, Peter and Colin Ward (1998) *Sociable Cities*, Wiley & Son.
12. Henton, Douglas, 2001, lessons from Silicon Valley: governance in a global city region. In: Scott, Allen (Ed), 2001, *Global city Regions, trends, theory, Policy*.
13. Jenkins, Paul, (2000), "urban management, urban poverty and urban governance: planning and land management in Maputo", *Environment and Urbanization*, 12 (137).
14. Laurini, R. (2014). *Information systems for urban planning: a hypermedia cooperative approach*. CRC Press.
15. Lida Holtzhausen, Lynnette Fourie, (2009) "Employees' perceptions of company values and objectives and employer-employee relationships: A theoretical model", *Corporate Communications: An International Journal*, Vol. 14 Iss: 3, pp.333 - 344
16. Milojevic, Brankica, (2018), "Integrated Urban Planning in theory and practice".
17. Roidt, Mario, 2019, Learning from integrated management approaches to implement the Nexus, *Journal of Environmental Management*, 237.
18. Sroufe, Robert, 2018, *Integrated Management: How Sustainability Creates Value for Any Business*, United Kingdom: Emerald Publishing Limited.

19. Strong, W. A., & Hemphill, L. A. (2006). Sustainable development policy directory. Blackwell Pub.
20. Takala, A. (2017). Understanding sustainable development in Finnish water supply and sanitation services. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 6, 501–512.
21. Van Dijk, M. Pieter (2006), *Managing Cities in Developing Countries: The Theory and Practice of Urban Management*, Edward Elgar Publishing.
22. Yuan, Jingfeng, 2019, Examining sustainability indicators of space management in elderly Facilities—a case study in China, *Journal of Cleaner Production*, 208.